

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 12, Winter 2020-2021, 161-185
Doi: 10.30465/crts.2020.27767.1636

A Review of Kamil Ahmadi's *a House on Water: A Comprehensive Study on about Engagement Intimacy Contract (Sighe Mahramiat) and Temporary Marriage in Iran; with Emphasis on Methodology*

Saleh KHodadadi*

Mohsen Badreh, Roya Poortaghi*****

Abstract

This article is an analytical critique of Kamil Ahmadi's *A House on Water; A Comprehensive Research on Engagement Intimacy Contract (Sighe Mahramiat) and Temporary Marriage* (2019) from a -social science viewpoint with an emphasis on the methodology. Having organized this critique generally in two dimensions, including formal and content critiques, the authors criticize the content methodologically in two parts: 1) content review; 2) methodological. The first part counts the problem, which finds according to general method logics, and the other part concentrates on criticizing this research using respectively qualitative and quantitative methodological criteria. Form and content evaluation of the book reveals that despite enjoying positive and attention-worthy aspects such as studying a challenging and common subject and spreading the domain of the study to several important cities of the country, the study lacks methodological and coherence of academic research in general and various methodological shortcomings

* PhD Candidate of Women Studies, Woman and Family Faculty, Religions and Denominations University, Qom, Iran (Corresponding Author), S.khodadadi72@yahoo.com

** Assistant Professor, Faculty of Social Sciences and Economics, AlZahra University, Tehran, Iran, M.badreh@alzahra.ac.ir

*** PhD Candidate of Anthropology, Anthropology Faculty, Azad Tehran Center University, Tehran, Iran, Rpoortaghi@yahoo.com

Date received: 2020-09-12, Date of acceptance: 2021-01-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

especially in qualitative and quantitative aspects make its results be regarded as authentic and reliable. According to the results, the necessity of extensive studies with observing methodological principles towards temporary marriage issue has been felt.

Keywords: Kamil Ahmadi; Research on Engagement Intimacy Contract (Sighe Mahramiat); Temporary Marriage; Marriage in Iran; Kamil Ahmadi's *A House on Water*.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۹۹، ۱۶۳-۱۸۵

نقدی بر کتاب خانه‌ای بر روی آب؛

پژوهشی جامع درباره صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران؛

با تأکید بر روش‌شناسی

صالحه خدادادی*

محسن بدره**، رویا پور تقی***

چکیده

این مقاله نقدی تحلیلی بر کتاب *خانه‌ای بر روی آب؛ پژوهشی جامع درباره صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران*، نوشته کامیل احمدی (۱۳۹۷)، با رویکرد علم‌الاجتماعی و با تأکید بر بعد روش‌شناسی است. نگارندگان، پس از نقد شکلی، کتاب را در دو بخش (۱) نقد محتوایی و (۲) نقد روشی بررسی کرده‌اند. بخش اول انتقاداتی را که به لحاظ منطق عمومی دانش به کتاب وارد است، احصاء کرده و در بخش دیگر نویسنده علی‌رغم استفاده از روش کیفی به‌عنوان روش بنیادین تلاش کرده است تا فنون روشی کیفی و کمی را توأمان برای اجرا و نگارش پژوهش خود به‌کار گیرد، این کتاب از هردو بعد روشی یادشده نقد شده است. نقد شکلی و محتوایی کتاب نشان می‌دهد که، علی‌رغم برخورداری اثر از ویژگی‌های مثبت و قابل‌توجهی مانند مطالعه یک موضوع چالشی و مبتلابه و همین‌طور گسترده‌کردن میدان تحقیق در چند شهر مهم کشور، در مجموع، روش‌مندی و انسجام یک پژوهش علمی رعایت نشده است و اشکالات متعدد

* کاندیدای دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

S.khodadadi72@yahoo.com

** استادیار مطالعات زنان، عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

M.badreh@alzahra.ac.ir

*** کاندیدای دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، ایران، Rpoortaghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

روش‌شناختی به‌خصوص در ابعاد کیفی و کمی سبب می‌شود تا نتایج آن چندان قابل‌اتکا و معتبر تلقی نشوند. از این‌رو، لزوم انجام پژوهش‌های اجتماعی متقن و گسترده با رعایت اصول روش‌شناختی در باب مسئله ازدواج موقت احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کامیل احمدی، صیغه محرمیت، ازدواج موقت، ازدواج در ایران، خانه‌ای بر روی آب.

۱. مقدمه

در این نوشتار به بررسی و نقد کتاب *خانه‌ای بر روی آب*؛ پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران، نوشته کامیل احمدی (۱۳۹۷)، از دو منظر شکلی و محتوایی می‌پردازیم. در ابتدا، به تعریفی از مسئله صیغه محرمیت و ازدواج موقت نیازمندیم. در کتاب *قاموس قرآن* آمده است متعه زنان را از آن جهت متعه گویند که موردانتفاع است تا مدت معلومی، به‌خلاف نکاح دائم که مدت معلوم ندارد (قرشی بی‌تا: ۲۲۶؛ به‌نقل از میرخانی ۱۳۷۹ الف). طبق تعریف راغب اصفهانی متعه نکاحی است که در آن مرد شرط می‌کند که مال معلومی را به زن بدهد و این نکاح تا زمان معلومی دوام داشته باشد و چون زمان آن سپری شود، بدون طلاق از هم جدا شوند (راغب ۱۳۶۲: ۵۰۵). علامه حلی آورده است: متعه همان نکاح موقت بوده و عبارت است از این‌که مرد زنی را برای مدت معینی مانند یک روز یا یک ماه یا یک سال یا زمان‌های معینی مانند آن به تزویج خود درآورد (حلی ۱۴۲۰: ۵۱۹). در این نکاح زن به محض انقضای اجل یا بذل مابقی مدت از جانب شوهر از زوج جدا می‌شود (خمینی ۱۳۹۲: ۹، ۱۶). علمای فریقین اتفاق نظر دارند که نکاح متعه در زمان پیامبر (ص) و ابوبکر و مدتی از زمان خلافت عمر میان مسلمین به عنوان عملی مباح و مشروع شناخته شده است و در آن اختلافی نیست، اما تداوم اباحه و مشروعیت آن مورد اختلاف است (روستایی و دیگران ۱۳۹۱: ۱۱۲). به‌هرحال، ازدواج موقت در فقه امامیه و به‌تبع در جوامع شیعی اثنا عشری به‌عنوان یک ازدواج مشروع به‌رسمیت شناخته شده است و برخی شیعیان در طول تاریخ اجتماعی خود آن را ممارست کرده‌اند. از آن‌جاکه این نوع ازدواج نسبت به ازدواج دائم سهولت‌ها و رخصت‌های بیشتری را واجد بوده و با برخی شرایط اقتصادی - اجتماعی مانند طبقه اجتماعی، فقر یا غنا، و مسئله‌های فرهنگ جنسی کنش متقابل داشته است، هم در افواه عامه و هم در نظر برخی از دانش‌وران مسئله‌مندی‌هایی را ایجاد کرده است. گاهی این مسئله‌مندی در سطح بررسی‌های فقهی - حقوقی و حدود و ثغور این نوع ازدواج بوده و گاهی نیز به بررسی‌های

علم اجتماعی نیز کشیده شده است. این مسئله زمانی برجسته‌تر می‌شود که ازدواج موقت به‌عنوان راه‌کاری برای مدیریت غریزه جنسی در وضعیت کنونی جامعه ایرانی طرح می‌شود. از مطالعات اجتماعی‌ای که اخیراً در فضای دانشگاهی ایران طنین ایجاد کرده است، اثر یادشده از کامیل احمدی است که نقد آن در راستای تداوم گفت‌وگوی دانشگاهی در باب ازدواج موقت ضروری به‌نظر رسید.

در ادامه، به معرفی کتاب و سپس نقد شکلی آن پرداخته می‌شود. پس‌از آن، محتوای کتاب با تأکید بر بعد روش‌شناختی در سه محور نقد محتوایی، نقد روش کیفی، و نقد روش کمی بررسی می‌شود.

۲. معرفی کتاب

کامیل احمدی، دارای مدرک کارشناسی ارشد مردم‌شناسی اجتماعی و مردم‌نگاری تصویری، آثاری دارد؛ مانند *به‌نام سنت: پژوهشی در زمینه ختنه زنان در ایران* (۱۳۹۴)، *طنین سکوت: پژوهشی در باب ازدواج زود هنگام دختران در ایران* (۱۳۹۶) است. کتاب *خانه‌ای بر روی آب* شامل سپاس‌گزاری، یادداشتی از ناشر، و پیش‌گفتار است و محتوای مطالب کتاب نیز در چهار فصل جداگانه سامان یافته است. در نهایت نیز جمع‌بندی، راه‌کارها، و پیش‌نهادهایی است که بعد از فصل نهایی کتاب به‌نگارش درآمده است و منابع و اعلام پایان‌بخش آن است. در بخش سپاس‌گزاری، نویسنده به شرح کوتاهی از روند جمع‌آوری داده‌های خود می‌پردازد و پیش از سپاس‌گزاری از افرادی که وی را در روند انجام پژوهش و اتمام کتاب یاری کرده‌اند به ذکر سایر پژوهش‌های قبلی خود پرداخته و ذکر کرده است که ایده پژوهش فعلی از خلال پژوهش قبلی خود با موضوع ازدواج زود هنگام کودکان نشئت گرفته است.

در بخش یادداشت ناشر، وی به شرح مختصری از چگونگی تنظیم روابط انسان‌ها در جوامع متمدن، به‌خصوص روابط زناشویی می‌پردازد و در ادامه مبنای قانون رسمی کشور برای برقراری رابطه بین دو نفر را ازدواج دائم و موقت نام برده و به توصیف مختصر ازدواج موقت و نقل علل موافقان و مخالفان ازدواج موقت می‌پردازد. وی معتقد است تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است غالباً در تأیید ازدواج موقت بوده و هیچ‌کدام به‌طور جامع به این پدیده اجتماعی نپرداخته‌اند، اما پژوهش مندرج در کتاب اخیر برای نخستین بار به این پدیده در چهارچوب مبانی تاریخی، دینی، حقوقی، و اجتماعی بدون سوگیری و با

استفاده از روش کیفی تئوری زمینه در سال‌های ۹۵ و ۹۶ در سه کلان‌شهر تهران، مشهد، و اصفهان صورت گرفته است. برای مثال در صفحه ۲۵ آمده است:

ازدواج موقت هرازچندگاهی از طریق مقامات رسمی کشور، تریبون نماز جمعه، و روحانیون مطرح می‌شود... تحقیقات متعددی تاکنون درباره ازدواج موقت صورت گرفته است که غالباً نگاه ارزشی به موضوع داشته‌اند. اما در این پژوهش بدون نگاه جانب‌دارانه و با رعایت اصل بی‌طرفی پدیده ازدواج موقت... بررسی می‌شود (احمدی ۱۳۹۷: ۲۵).

پس از یادداشت ناشر، نویسنده در پیش‌گفتار تأکید کرده است که از بطن پژوهش اول خود (ختنه دختران) موضوع ازدواج کودکان را استخراج کرده است و درحین انجام پژوهش بررسی جامع ازدواج زود هنگام دریافته که باور به صیغه محرمیت یکی از عوامل اصلی در رواج کودک‌همسری در ایران است (همان: ۲۴) و در ادامه به صورت اختصار به برخی پی‌آمدها و برخی علل مدافعان صیغه محرمیت اشاره کرده است.

فصل اول: در فصل اول کتاب، با عنوان کلیات پژوهش، نویسنده پس از ذکر مقدمه‌ای موجز به تعریفی جامعه‌شناختی از خانواده و ازدواج پرداخته است و درحلال آن رفتارهای جنسی زنان و مردان را در فرهنگ غربی و اسلامی تشریح کرده است. در ادامه، نویسنده به توصیف موضوع ازدواج در منابع دینی و فرهنگی پرداخته و مسئله اهمیت سن در ازدواج را تبیین کرده است.

فصل دوم: در فصل دوم، نویسنده در بخش مبانی تاریخی ازدواج موقت، سابقه آن را در اقوام و ملل مختلف ذکر کرده و در بخش بعدی نویسنده در مبانی دینی و فقهی ازدواج موقت به ذکر دلایل قرآنی و روایی جواز و حرمت متعه براساس آیات و روایات و اختیارات حکومت پرداخته است. در همین بخش، ازدواج مسیاری (نوعی از ازدواج بین اهل سنت) و تشابهات و تفاوت‌های آن با ازدواج موقت برشمرده شده است (همان: ۹۵-۱۰۰). در بخش سوم، نویسنده براساس قانون مدنی به توضیح ارکان متعه و اثرات حقوقی آن یعنی ارث، نفقه، انحلال، و عده پرداخته و اشتراک‌ها و تفاوت‌های ازدواج موقت و دائم را ذکر کرده است و در نهایت سه موضوع سن دختر، اذن ولی، و مسئله ثبت نکاح موقت براساس قانون مدنی را مورد بررسی قرار داده است. در بخش چهارم، بعد از ذکر مبانی تاریخی، دینی، و حقوقی در سه بخش قبل مبانی اجتماعی و روان‌شناختی ازدواج موقت را شرح داده است. نویسنده در این بخش مبانی نظری جامعه‌شناسی در مسئله ارتباط جنسی و

تشکیل خانواده را براساس دیدگاه جامعه‌شناسان غربی و داخلی توضیح داده و سپس چهار نیاز عشق، تأیید و توجه اجتماعی، داشتن فرزند، و نیاز اقتصادی را چهار دلیل اصلی انجام ازدواج موقت دانسته و آن‌ها را براساس یافته‌های پژوهشی خود تشریح کرده است. درنهایت، نویسنده با ذکر پی‌آمدهای ازدواج موقت فصل دوم را به پایان برده است.

فصل سوم: در فصل سوم، با عنوان یافته‌های میدانی، نویسنده بعد از شرح کوتاهی درباره روش پژوهش خود به توضیح شرایط علی یعنی عوامل اقتصادی، عاطفی، و جنسی پرداخته است. در قسمت عوامل زمینه‌ای، نویسنده دین، ساختار قانونی، و اجتماعی را از عوامل زمینه‌ای دانسته و آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است. در انتهای این فصل، پیش از اعلان یافته‌های کمی پژوهش با توضیح کنش راه‌بردی و پی‌آمدهای ازدواج موقت، به‌طور مبسوط به نقد ازدواج موقت به‌لحاظ اجتماعی پرداخته است (همان: ۲۰۲-۲۰۸).

فصل چهارم: در این فصل، با عنوان جمع‌بندی، راه‌کار، و پیش‌نهادها، درابتدا نویسنده به ارائه خلاصه و جمع‌بندی از پژوهش پرداخته و در همین بخش مفهوم صیغه محرمیت/ ازدواج موقت در ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۷) ارائه شده است. در بخش بعد، راه‌کارها و پیش‌نهادهایی داده شده و درنهایت در بخش سخن پایانی نتیجه مختصری از پژوهش یادشده به‌نگارش درآمده است.

۳. نقد کتاب

این مقاله در سه بخش کتاب یادشده را مورد نقد قرار داده است. بعد از نقد شکلی و ظاهری کتاب به نقد محتوایی کتاب پرداخته شده است و نقد رویکرد و روش پژوهش نیز در این بخش آمده است. این نوشتار پس از نقد شکلی بر نقد محتوایی متمرکز خواهد شد.

۱,۳ نقد شکلی

این کتاب در سال ۱۳۹۷ در انتشارات شیرازه با قطع رقعی به‌چاپ رسیده است. گرچه حجم کتاب نسبتاً کم است، صحافی آن مرغوب نیست و پس از چند بار ورق‌خوردن نسخه‌های کتاب به برگ‌های مجزا بدل می‌شوند. در شناس‌نامه کتاب، بخش مشخصات ظاهری کتاب با ۳۰۲ صفحه معرفی شده است، درحالی‌که درواقع ۲۸۶ صفحه دارد. در بخش معرفی کتاب، چاپ اول ۱۳۹۸ ذکر شده است، اما مطابق مشخصات نشر کتاب در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است. به‌نظر می‌رسد رنگ تیره و تصویری از دریای ناآرام در هوایی

گرفته و طوفانی طرح مناسبی برای جلد باشد. درواقع، گویا طراح جلد می‌خواهد وضع بی‌ثبات چنین رابطه‌ای را نشان دهد.

۲,۳ نقد کلی کتاب

این مقاله نقد کتاب را در دو بخش اصلی (۱) نقد محتوایی و (۲) نقد روشی موردبررسی قرار داده است. در بخش اول، انتقاداتی را که به‌لحاظ عمومی بیان شده است و در بخش دیگر نقد روش کیفی و تئوری بنیادین مورد استفاده نویسنده مطرح خواهد شد.

۱,۲,۳ نقد محتوایی

(۱) باتوجه به عنوان کتاب، مخاطب انتظار دارد نویسنده ازدواج موقت را آن‌گونه که دغدغه و مسئله جامعه است به بحث و بررسی گذاشته باشد، اما نویسنده مرزی بین ازدواج کودکان (افراد زیر هجده سال) که با صیغه محرمیت ازدواج کرده‌اند و ازدواج موقت بزرگسالان نمی‌گذارد. مثلاً در صفحه ۱۴ می‌گوید: «کودک‌همسری یکی از نتایج سستی است به نام صیغه محرمیت که بین برخی خانواده‌های ایرانی رایج است». درواقع، نویسنده باید میان صیغه محرمیت و کودک‌همسری تفاوت قائل شود. در موارد قابل توجهی، صیغه محرمیت فقط حالت صوری دارد و به رابطه جنسی منجر نمی‌شود تا کودک‌همسری از نتایج آن باشد، اگرچه بخشی از آن نیز احتمال دارد که به کودک‌همسری نیز منتج شود. باتوجه به اهمیت موضوع، اگر قرار است صیغه محرمیت با ازدواج موقت و کودک‌همسری در کنار هم قرار گیرند، لازم است این تفکیک انجام شود که چه تعداد از صیغه‌های محرمیت به رابطه جنسی منجر شده است. هم‌چنین، در چند جای کتاب از جمله صفحه ۱۵، هنگام برشمردن نتایج صیغه محرمیت، با پررنگ کردن محرمیت بین افراد کم‌سن و سال، به‌خصوص دختران، پی‌آمدهایی را ذکر کرده است که فقط شامل دانش‌آموزان می‌شود؛ مانند محروم شدن از ادامه تحصیل. در همین صفحه، هنگام تشریح وجود رابطه جنسی در این نوع از ازدواج، چنین آمده است: «رابطه جنسی در این نوع از ازدواج با آسیب‌های جنسی جدی به‌ویژه برای دختران همراه است: اولاً چون در سنین کم رخ می‌دهد...». بنابراین در پژوهش، نویسنده بارها به بررسی ازدواج موقت نه در تمام سنین و با علل مختلف بلکه به‌عنوان یک سنت غلط بین افراد زیر هجده سال اشاره داشته است. در صفحه ۲۱۷ آمده است: «براساس جامعه نمونه در این تحقیق، به صیغه محرمیت زیر هجده سال اشاره می‌شود». البته، نویسنده در تشریح جامعه نمونه خود در صفحه ۲۱۱ به سن خاصی اشاره نکرده است.

مسئله یکی بودن ازدواج موقت و صیغه محرمیت، از نظر ناشر کتاب نیز، دو امر جدا از هم نیست، به نحوی که در صفحه ۲۰ در بخش یادداشت ناشر آمده است: «در ازدواج موقت یا همان صیغه محرمیت رضایت زن و مرد...». بنابراین ناشر کتاب نیز بر یکی بودن این دو عنوان صحه گذاشته است. با توجه به پژوهش قبلی نویسنده، یعنی ازدواج زود هنگام کودکان که با عنوان *طنین سکوت*، که از سوی همین ناشر منتشر شد، به نظر می‌رسد که اثر و اهمیت پژوهش ازدواج کودکان در ذهن نویسنده بر کار فعلی وی نیز اثر گذاشته است (احمدی ۱۳۹۷: ۲۴)، تا آن‌جا که بین صیغه محرمیت که ممکن است به علت آشنایی برای ازدواج دائم (مثلاً برای تسهیل رفت و آمد افراد نامحرم خانواده با یکدیگر) و ازدواج موقت، به عنوان رابطه‌ای مدت‌دار مشروع با هر انگیزه‌ای غیر از آشنایی برای ازدواج دائم، وجه تمایزی قائل نشود و در قسمت‌های مختلف کتاب برای اثبات وجود پی‌آمدهای متعده بارها به تأثیر آن در بروز کودک‌همسری اشاره می‌شود و به پی‌آمدهای آن روی سایر سنین و اقشار جامعه به غیر از صفحات ۲۰۲ تا ۲۰۶ و صفحات ۲۰۸ تا ۲۱۰ پرداخته نمی‌شود. نویسنده در صفحه آورده است:

به دلیل وجود هنجارهای سنتی و فرهنگ مردسالاری... به این نوع ازدواج ابزاری برای تنظیم رفتار جنسی فرزندان نگاه می‌شود و صیغه محرمیت، با توجه به دیدگاه مراجع تقلید، همان نکاح موقت بین کودکان و نوجوانان است، اگرچه این صیغه برای افراد با سنین بالاتر نیز جاری می‌شود (احمدی ۱۳۹۷: ۲۱۶).

شاهد مدعا برای اثبات تأثیر پژوهش قبل در پژوهش فعلی، علاوه بر تکرار چندباره موضوع، اشاره به مضرات ازدواج کودکان در طول کتاب است. نویسنده در صفحه ۲۴ اذعان داشته است که حین انجام پژوهش بررسی جامع ازدواج زود هنگام در ایران صیغه محرمیت را به عنوان یکی از عوامل اصلی در ازدواج کودک‌همسری در ایران قلمداد کرده است، در حالی که به نظر نمی‌رسد از عوامل اصلی آن باشد.

(۲) نویسنده معتقد است که مهم‌ترین پی‌آمد کودک‌همسری ترک تحصیل دانش‌آموزان، به ویژه دختران، است (همان: ۲۵)، اما مشخص نکرده است که آیا دختران مورد مصاحبه وی پیش از صیغه شدن در حال تحصیل یا مصمم به ادامه تحصیل بودند یا خیر یا این که در صورت ازدواج نکردن امکان عملی ادامه تحصیل را داشته‌اند یا خیر. بنابراین، این نقد وارد است که شاید این افراد به علل مختلفی از جمله دوری راه، نبود مدرس هم‌جنس، یا نشان دادن بی‌علاقگی به تحصیل امکان ادامه تحصیل نداشته‌اند.

۳) در صفحه ۳۲ در تعریف کودک‌همسری آمده است، هر ازدواجی که زیر هجده سال به وقوع بپیوندد کودک‌همسری نام دارد و سند این ادعا مفاد کنوانسیون حقوق کودک است و در صفحه ۲۴ نیز ازدواج زیر هجده سال طبق تعریف سازمان یونسف مصداق کودک‌همسری است که در هردو مورد به هیچ منبعی استناد نشده است و موضوع کودک‌همسری و موضوع پژوهش مقوله‌های متفاوتی‌اند و الزامی ندارد که درباب متعه موضوع کودک‌همسری مطرح شود.

۴) در بخش تبیین اجتماعی متعه در ایران، تحول در خانواده‌های ایرانی، هر پنج جامعه‌شناسی که به نظریه‌شان استناد شده است غیرایرانی هستند و استفاده از نظریات غیرایرانی برای ترسیم شرایط خانواده ایرانی خالی از اشکال نیست (همان: ۴۶-۵۱). در بخش بررسی نظریات جامعه‌شناسی، نویسنده می‌توانست از پژوهش‌های آزادارمکی (۱۳۹۰) و صادقی فسایی (۱۳۹۱) و سایر جامعه‌شناسان ایرانی برای بومی کردن پژوهش خود استفاده کند که مغفول مانده است.

۵) در بخش سیاست‌گذاری‌های دینی و دولتی، نویسنده عقیده خود را مبنی بر این‌که ازدواج موقت، بنابه دلایلی، به‌عنوان راه‌کار حل معضلات خانواده ایرانی مورد تأیید حکومت بعد از انقلاب است مطرح کرده است و برای اثبات آن با ذکر ممنوعیت چندهمسری و ممنوعیت درج عقد موقت در عقدنامه‌ها به‌دستور فرح پهلوی در سال ۱۳۵۵ (بدون ذکر منبع) در صفحه ۸۵ و از آن طرف تمسک به خطبه هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۴ درباره ازدواج موقت به‌عنوان راه‌کار جلوگیری از مفاسد اخلاقی (بدون ذکر منبع) در صفحه ۵۳ سعی در اثبات ادعا کرده است. در همین صفحه، نویسنده به پژوهشی با عنوان «ازدواج موقت و تأثیر آن در تعدیل روابط نامشروع جنسی» که توسط دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس صورت گرفته استناد کرده است و در ادامه برای محکم کردن ادعای خود به آثاری از مرتضی مطهری استناد کرده است که از این منبع هم تشویق دین به انجام متعه قابل دریافت نیست (مطهری ۱۳۶۵: ۶۱-۷۰)، چه رسد به این‌که مطلب یادشده بخواهد مؤید ادعای ایشان، یعنی ارائه متعه به‌عنوان راه‌کاری از سوی حکومت برای حل معضلات جامعه در حال گذار ایرانی، باشد (احمدی ۱۳۹۷: ۵۱-۵۶).

۶) در صفحه ۵۹، ادعا شده است که مردانی که به متعه گرایش دارند، معمولاً وضعیت مالی خوبی دارند، اما برای ادعای خود به پژوهشی که این مدعا را بررسی کرده باشد ارجاع نشده و این مطلب با دیدگاهی که معتقد است متعه راه‌کاری است برای مردانی که به‌علت مشکلات مالی توان‌مندی تشکیل خانواده و ازدواج دائم را

ندارند (احمدی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۴۷) در تعارض است. البته، شاید منظور نویسنده از مردان متقاضی متعه مردان متأهل با وضعیت مالی موجه باشد.

۷) در صفحه ۵۹، نویسنده نظریه اثر مواجهه مصرفی را مطرح کرده است که مطابق آن اگر کالایی اعتیادآور باشد، به خلاف کالای غیراعتیادآور، مصرفش تمایل فرد را به مصرف بیش‌تر افزایش می‌دهد و از آن نتیجه گرفته شده است که افرادی که به رابطه جنسی اعتیاد پیدا کنند به تکرار این عمل اقدام می‌کنند، اما منبعی برای این نظریه ذکر نشده است.

۸) در صفحه ۶۰، نویسنده مدعی است که براساس تحقیقات ازدواج موقت بین افراد مذهبی بیش‌تر رواج دارد، اما از منبع تحقیقات ذکر نکرده است. در واقع، عدم تفکیک بین فعل افراد سنتی و مذهبی ایرادی است که بین عامه مردم وجود دارد و در تحقیقات علمی توقع بر این است که مرزها از یک‌دیگر تفکیک شوند. بنابراین، نویسنده می‌بایست تعریف مشخصی را از مذهبی بودن فرد در جامعه آماری خود ارائه می‌داد.

۹) در فصل دوم، در مبحث سابقه ازدواج موقت در سایر ادیان و ملل باستان، نویسنده به ذکر شواهدی از حضور مشابه ازدواج موقت در کشورهای غربی چون، دانمارک، اسکاتلند، روم قدیم، و مبحث مبانی تاریخی ازدواج موقت آورده است، اما در بحث ازدواج موقت در ایران باستان، نویسنده تنها به ذکر رسوم و انواع ازدواج در دین زرتشت می‌پردازد که، باتوجه به ادوار مختلف تاریخی و دینی در ایران قبل از اسلام، استناد فقط به یک منبع دینی، آن هم بدون ذکر بازه زمانی آن از گستردگی لازم برخوردار نیست. هم‌چنین، در بخش ازدواج موقت در زمان جاهلیت، انواع ازدواج رایج در میان عرب پیش از ورود اسلام ذکر شده است که حاوی نکات ارزنده‌ای است، ولی به جز نکاح متعه سایر موارد از انواع نکاح دائم است که، باتوجه به موضوع کتاب، نیازی به ذکر این موارد دیده نمی‌شود (احمدی ۱۳۹۷: ۸۰-۸۴).

۱۰) در بخش ازدواج موقت، پیش از انقلاب اسلامی (همان: ۸۴) و مبانی دینی و فقهی ازدواج موقت (همان: ۸۵)، موارد یادشده در بخش استنادات مربوط به آیات و روایات در بخش‌های سیاست‌گذاری‌های دینی و دولتی (همان: ۵۱) و نیز بخش رفتارهای جنسی و روابط زن و مرد در فرهنگ دینی و اسلامی (همان: ۳۸) هم آمده بودند. تکرار موارد قبلی، صرفاً با عنوانی جدید، برای یک پژوهش علمی مناسب نیست.

۱۱) نویسنده در صفحه ۸۹ در بخش مشروعیت متعه، برای دلایل قرآنی به آیه ۲۴ سوره نساء اشاره کرده است و صرفاً با ذکر آیه، معنای آن، و ذکر دو بخش کوتاه از دو تفسیر، بدون بررسی سایر تفاسیر، به همین مقدار اکتفا کرده است، درحالی‌که نویسنده

می‌توانست به آیه ۲۵ سوره نساء، یعنی آیه‌ای که دلیل بر جواز متعه دانسته می‌شود، اشاره کند و براساس آن به این نکته برسد که مطابق این آیه اولاً تأکید بر نکاح دائم است و با آمدن فاء تفریع قرآن درصدد پیش‌گیری از فساد و نفی رابطه پنهانی و حفظ پاک‌دامنی برای کسانی است که امکان ازدواج دائم برای آنان نیست. درواقع، جهت نفی عسر و حرج فشار غریزه جنسی، ازدواج موقت را قرار داده است و با بیان «ذالک لمن خشی العنت منکم و ان تصبروا خیر لکم» اهمیت و تأکید بر ازدواج دائم روشن می‌شود. ثانیاً راه دوم مختص عسرت و اضطراب است و این یک راه‌کار شایع و عمومی نیست. ثالثاً در این‌گونه موارد اگر انسان‌ها عفت پیشه و صبر کنند و به هوس‌رانی از طرق مختلف دامن نزنند بهتر است (میرخانی ۱۳۷۹ ب). بنابراین رویکرد قرآن جواز متعه بدون در نظر گرفتن چهارچوبی خاص نیست. این مسئله در بخش بعدی، یعنی بررسی دلایل روایی، در صفحه ۹۲ با ذکر روایتی درصدد جامعیت‌بخشی به مطالب است، اما نویسنده می‌بایست در این قسمت به بخشی از انبوه روایاتی که متعه را مذموم می‌داند و حتی در شرایطی ائمه خواهان عدم انجام آن بودند اشاره می‌کرد. روایاتی چون روایت امام رضا (ع) در کافی که می‌فرماید:

از اصرار بر متعه امتناع کنید و سنت ازدواج را برپا دارید. با پرداختن به متعه از همسران خود غافل نشوید، تا مبدا آنان از دین خدا روی گردانند و از دوستی ما منصرف شوند و بر پایه‌گذار متعه متعرض شوند و بر ما نفرین کنند (کافی ۱۳۹۳: ۴۲۵).

۱۲) در بخش تحریم متعه، نویسنده از آیات و روایات برای اثبات نسخ متعه براساس دیدگاه اهل سنت به منابعی اشاره کرده است که مناسب بود پاسخ فقهای شیعه را نیز نسبت به هر یک از این موارد برای افزایش غنای مطالب خود می‌آورد (احمدی ۱۳۹۷: ۹۳-۹۵). علت اباحه یا استحباب موضوع متعه که در برخی منابع شیعی وجود دارد، حاوی دو نکته اساسی است؛ یکی آن‌که این موضوع را به‌اعتبار مذمت آن در بین اهل سنت از ضروریات مذهب شیعه به‌شمار آورده‌اند و مطلب دوم این‌که از ورود هرگونه افراط و تفریط پیش‌گیری کرده‌اند. برای مثال، در مقاله «مرزشناسی در ازدواج موقت»، از صاحب‌جوهر در کتاب نکاح خود در تحلیل علت تأکید بر استحباب متعه چنین نقل شده است: همانا در چنین موضعی مباح مستحب می‌شود، به‌واسطه تحریم اصحاب بدعت، چنان‌چه اگر آنان حکمی از احکام را که در دین نیست واجب می‌دانستند آن حکم مکروه می‌شد. برای این‌که ما باید آثار بدعت را ریشه‌کن سازیم (میرخانی ۱۳۸۰). بنابراین، دلیل تأکید بر استحباب موضوع مخالفت با بدعت اهل سنت است و حکم اولی استحباب نیست.

۱۳) نویسنده در توضیح ازدواج مسیاری (احمدی ۱۳۹۷: ۹۵-۱۰۰)، بعد از شرح این نوع ازدواج بین اهل سنت، به تفاوت‌های نکاح مسیاری و متعه می‌پردازد که نکات حائز اهمیتی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۱۴) در مبحث ازدواج موقت در حقوق ایران، بخش قانون مدنی و نکاح منقطع (همان: ۱۰۱-۱۰۳)، نویسنده به ذکر مواد قانون مدنی مرتبط با ازدواج موقت پرداخته است. این درحالی است که ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی مرتبط به نکاح دائم است.

۱۵) در مبحث ارکان متعه، بخش طرفین عقد (همان: ۱۰۴)، در پایان بخش آمده است اختلافات فقهی قابل توجهی در موضوع جواز یا عدم جواز ازدواج دائم یا منقطع مسلم با غیرمسلمه وجود دارد و نظر برخی از فقها را بدون ذکر منبع آمده است یا در بخش مدت متعه (همان: ۱۰۵) آمده است فقهایی چون شهیدثانی معتقدند که عدم ذکر مدت معین در نکاح منقطع سبب بطلان نکاح از اساس می‌شود و حقوق‌دانانی چون دکتر امامی نیز بر بطلان نکاح در این صورت اعتقاد دارند، اما برای این بخش و بحث احکام متعه، بخش ارث، نویسنده به نظر چند تن از فقها مبنی بر برقراربودن توارث یا عدم آن در نکاح منقطع اشاره داشته است، اما هیچ منبعی برای استنادات خود نیاورده است (همان: ۱۰۶).

۱۶) در همین مبحث، بخش نفقه، نویسنده به درستی به مواد قانونی مرتبط با موضوع اشاره کرده است، اما موضوع را با توجه به عنوان انتخاب‌شده، یعنی احکام متعه، به لحاظ فقهی بررسی نکرده است و این نقد در بخش‌های بعدی، یعنی انحلال متعه و عده متعه، نیز برقرار است.

۱۷) در مبحث بعد، یعنی تفاوت ازدواج موقت و دائم از نظر حقوق و شرایط از هر دو مورد تفاوت ذکر شده هشت مورد آن در دو مبحث قبلی، یعنی ارکان و احکام متعه، ذکر شده بود که به نظر با ذکر دو تفاوت باقی مانده در بخش احکام متعه نیازی به ذکر مجدد سایر تفاوت‌ها نبوده است (همان: ۱۰۹-۱۱۳).

۱۸) نویسنده در بحث سن دختر و اذن ولی در ازدواج موقت (همان: ۱۱۵-۱۲۲) مسئله را کاملاً تشریح کرده است که، با توجه به پژوهش قبلی نویسنده، می‌توان گفت به خوبی از عهده آن برآمده است.

۱۹) با توجه به آن که ثبت نکاح موقت در سه حالت مطابق ماده ۲۹ قانون جدید حمایت خانواده الزامی است، شرط سوم، یعنی ذکر مسئله به عنوان شرط ضمن عقد، ماده قانونی کامل بیان نشده است (همان: ۱۲۳).

۲۰) در ادامه آمده است که برخی مسئولان سیاسی - دینی از طریق رسانه‌های ملی تلاش می‌کنند ازدواج موقت را به‌عنوان ضرورتی اجتماعی و امر شرعی و متعالی جای‌گزین روابط آزاد زنان و مردان کنند و برای اثبات ادعای خود به صحبت‌های مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور، در سال ۱۳۸۶، علی مطهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، در سال ۱۳۶۹، و حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی بدون ذکر منبع استناد می‌کند. این درحالی است که ذکر دیدگاه سه نفر از مسئولان نمی‌تواند دلیلی بر این‌که دولت‌مردان و علمای مذهبی کشور در حال حاضر (تاریخ سخن‌رانی‌ها یک تا سه دهه قبل است) ازدواج موقت را ضرورتی کارکردی برای جامعه می‌دانند و نگاهشان به موضوع روابط زنان و مردان یک‌سویه و به نفع مردان باشد بگذارد. از سوی دیگر، ذکر دیدگاه برخی از مسئولان در مورد مسئله ازدواج موقت بدون تشریح مضرات و فواید متعه نمی‌تواند سنخیتی با عنوان انتخاب‌شده یعنی «متعه، راه‌کار یا تهدید» داشته باشد.

۲۱) در بخش مبانی نظری جامعه‌شناختی در کتاب، بدون مشخص کردن موضوعی که قرار است به بررسی مبانی نظری آن از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته شود، در صفحه ۱۲۷، به نظریه کش و نظریه کارکردی پارسونز بدون ذکر منبع اشاره شده است.

۲۲) در مبحث مبانی نظریه جامعه‌شناختی، نویسنده به شرحی کوتاه از نحله‌های فمینیستی پرداخته است، اما دیدگاه هر گروه در ازدواج دائم و موقت به‌طور شفاف بیان نشده است (همان: ۱۳۳-۱۴۱).

۲۳) در مبحث تمکین زنان به ازدواج موقت در صفحه ۱۴۱، از نیازهای جدایی‌ناپذیر زنان صحبت شده است، به این صورت که چون ازدواج موقت برپایه اطفای نیاز جنسی بنا نهاده شده است، بسیاری از زنان بعد از پایان دوره متعه به دلیل یأس و ناکامی دچار معضلات روانی می‌شوند. درحالی‌که در این بخش علل روی‌آوری زنان به ازدواج موقت صرفاً با استناد به یک منبع تشریح شده و در مبحث بعدی، یعنی پی‌آمدهای ازدواج موقت، در صفحه ۱۴۴ هم برای اثبات ادعا به منبعی اشاره نشده است و اگر پی‌آمدهای یادشده حاصل همین پژوهش است اشاره‌ای نشده است.

۲۴) در استنادات علمی زمان اشاره به روایات از ائمه معصومین (ع) مانند سایر منابع باید ارجاعات مربوط به آن‌ها گزارش شود تا مطالب از نظر علمی قابل دفاع شود. برای مثال، در پاراگراف سوم، صفحه ۱۶۳، نویسنده مدعی است که ائمه معصومین متعه را برای جلوگیری از فحشا به شیعیان توصیه کرده‌اند و این ازدواج برای فرد ثواب دنیوی و اخروی

دارد، این درحالی است که به هیچ منبعی برای اثبات ادعای خود اشاره نکرده‌اند. در صفحه ۱۶۴ نیز از آیت‌الله مکارم شیرازی جملاتی بیان می‌شود که بدون منبع است.

۲۵) در صفحه ۲۱۳ نویسنده برای تأیید ادعای خود به هرم نیاز مازلو اشاره کرده است که فاقد منبع است. هم‌چنین، در صفحه ۲۱۳ و ۲۱۴ نویسنده به برخی عوامل اصلی ازدواج موقت بین زنان و مردان اشاره کرده است بدون آن‌که به منبعی استناد کند و اگر از نتایج پژوهش است باید به آن اشاره کند.

۲۶) در صفحه ۲۱۴، پژوهش‌گر براساس نظریه‌های انتخاب عقلانی هکتور و مبادله اجتماعی هومنز رفتار زنان و مردان را نسبت به ازدواج موقت به‌اختصار توصیف کرده است، درحالی‌که بهتر بود قبل از آن نظریات یادشده را توضیح می‌داد.

۲۷) در صفحه ۲۱۵، آمده است اکثریت مراجع تقلید ازدواج موقت بعد از بلوغ جنسی را جایز می‌دانند. درحالی‌که به دیدگاه آن گروه از فقها که متعه را برای دختران باکره جایز نمی‌دانند یا نظر قول مشهور که آن را مکروه و منوط به شرط عدم دخول می‌دانند اشاره نشده است (ایمانی‌راد و دیگران ۱۳۸۸: ۱۹۵؛ مهریزی ۱۳۹۲: ۴۵۰-۴۶۶؛ هاشمی ۱۳۹۵: ۱۱۰؛ کلومورتزی ۱۳۸۶: ۶۶). هم‌چنین، در ادامه به دیدگاه آیت‌الله صانعی به متعه به‌عنوان عامل فروپاشی خانواده بدون ذکر منبع اشاره شده است.

۲۸) در صفحه ۲۲۲، پژوهش‌گر آورده است که برای زنان بسیار ناگوار است که آن‌ها را فقط برای مسائل جنسی بخواهند. ادعای فوق، علی‌رغم مقبولیت بین عامه، بهتر است در قالب پژوهش علمی به‌اثبات برسد.

۲۹) در صفحه ۲۲۶، آمده است برخی مراجع تقلید درقبال موضوع عدم انجام فسخ نکاح موقت مراجعه به دادگاه خانواده را به زنان پیش‌نهاد می‌کنند و برای آن منبعی داده نشده است.

۳۰) نمودار شماره ۱۰، در صفحه ۲۲۷، توزیع درصد فراوانی پاسخ‌گویان زن درزمینه تجربه خشونت در ازدواج موقت را نشان می‌دهد. این درحالی است که نوع خشونت مشخص نشده است و نیز منظور از خشونت زیاد، متوسط، و کم باید مشخص می‌شد. هم‌چنین، در ادامه همین بخش آمده است که زنان قربانی خشونت به‌دلایل مختلف مشکل پیش‌آمده را از طریق مراجع قضایی پی‌گیری نمی‌کنند، اما منبعی برای دلایل یادشده مشخص نشده است. در صفحه ۲۳۱ نیز شماره نمودار ترسیم‌شده مجدد شماره ۱۰ است. مشکل یادشده برای نمودارهای شماره ۸ و ۹ نیز وجود دارد، بدین صورت که در صفحات

۲۲۴ و ۲۲۹ شماره نمودار ۸ است و در صفحات ۲۲۵ و ۲۳۰ نیز شماره نمودار هر دو ۹ است. بنابراین، باتوجه به تکرار همین مشکل برای نمودار شماره ۳، در صفحات ۲۱۶ و ۲۱۷، در مجموع چهار مرتبه خطای شماره‌دهی برای نمودارهای کتاب وجود دارد.

۲,۲,۳ نقد روشی

خانه‌ای بر روی آب پژوهشی است که هم از جهت روش و هم از جهت پردازش داده سؤالات زیادی را برای خواننده ایجاد می‌کند. اسم کتاب با نام فیلم سینمایی بهمن فرمان‌آرا، فیلمی با این نام با موضوعی مرتبط به روابط جنسی، یکی است. با خواندن کتاب متوجه می‌شویم پژوهش‌گر بدون اشاره به پیشینه پژوهشی کار را شروع کرده است.

خیال خامی است که تصور کنیم هنوز قلمروهای پژوهشی جدیدی وجود دارند که تاکنون چیزی درباره‌شان منتشر نشده است... در ابتدای قرن بیست و یکم، پس از یک صد سال تحقیق اجتماعی و چندین دهه کشف مجدد تحقیق کیفی، یافتن یک حوزه به‌کلی ناشناخته بیش از پیش دشوار است (فلیک ۱۳۹۴: ۶۴).

در مرحله دوم این سؤال پیش می‌آید آیا روشی که برای چنین موضوعی اتخاذ شده است بهترین روش است. روش این پژوهش کیفی است و چهارچوب نظری موردنظر تفسیرگرایی است. در مبانی نظری از نظریه‌پردازی چون پارسونز و کلود لوی استروس و ... و نظریه‌هایی چون فمینیسم و انواع نام برده می‌شود که می‌تواند مناسب‌تر از تفسیرگرایی به‌عنوان روش به‌کاربرده شده برای بخش کیفی باشد (فلیک ۱۳۸۷: ۱۶۵-۲۶۰؛ هومن ۱۳۹۳: ۵۳-۸۰). برای مثال در صفحه ۱۴۷، می‌خوانیم این پژوهش در چهارچوب دیدگاه تفسیرگرایی و رویکرد روش‌شناختی کیفی با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد انجام شده است، درحالی‌که در مبانی نظری آمده در فصل دوم از نظریه‌های دیگری غیر از تفسیرگرایی استفاده شده است.

در بحث روش به‌نظر می‌رسد این پژوهش به‌شدت نیازمند یک اتنوگرافی منسجم است؛ زیرا در هر تحقیق کیفی پرداختن به چستی موضوع بسیار اهمیت دارد تا هم افراد مورد مطالعه مشخص شوند و هم مشاهدات پژوهش‌گر به‌مثابه یک متن مستند برای مخاطبان قابل‌رؤیت باشد. متن در تحقیق کیفی سه کاربرد دارد: نه تنها داده‌های اصلی تحقیق را که یافته‌ها بر آن متکی‌اند فراهم می‌کند، بلکه اساس تفسیر داده‌ها نیز است و درعین حال وسیله و ابزار اصلی ارائه و انتقال یافته‌ها به‌شمار می‌آید. این امر نه‌فقط درباره هرمنوتیک

عینی برنامه تبدیل جهان امن را در سرلوحه خود قرار داده، بلکه به‌طور کلی درخصوص روش‌های جاری در تحقیق کیفی نیز مصداق دارد. در چنین پژوهش‌هایی، مصاحبه‌ها حاوی داده‌هایی هستند که به‌شکل متن درآمده‌اند و پس از آن است که تفسیر می‌شوند. در مشاهدات، یادداشت‌های میدانی غالباً داده‌های متنی را تشکیل می‌دهند، یا آن‌که تحقیق از ثبت و ضبط گفت‌وگوها و موقعیت‌های طبیعی آغاز می‌شود و در ادامه به مرحله پیاده‌کردن متن و تفسیر آن می‌رسد. در هر حال، متن محصول گردآوری داده‌ها و ابزاری برای تفسیر است... در این فرایند متن جای‌گزین چیزی می‌شود که مورد مطالعه است (فلیک ۱۳۹۴: ۲۳). اما در این پژوهش به‌اندازه کافی به این نکات توجه نشده است.

در پژوهش، هنگام معرفی برخی از مصاحبه‌شوندگان، اطلاعات خاصی داده نمی‌شود مثل میزان تحصیلات و... این درحالی است که در مورد برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اطلاعاتی از این دست ثبت شده است که نشانه بی‌نظمی در کار پژوهشی است. «در مطالعات میدانی باید شواهد پراکنده را طبقه‌بندی کرد تا الگوهای برای درک پیوستگی متقابل کنش‌های جاری در یک محیط خاص پیدا کرد» (بیکر ۱۳۸۵: ۴۸). برای مثال، در صفحه ۱۹۷ مصاحبه با مرد ۴۳ ساله مبهم است و هیچ اشاره‌ای به مشکل ایشان نمی‌شود. در اکثر نمونه‌های مصاحبه‌ای ورودنکردن به عمق موضوع از سوی مصاحبه‌گر رؤیت می‌شود. در صفحه ۱۴۹، مقوله‌بندی‌هایی چون شرایط علی مثل عوامل اقتصادی، عوامل عاطفی و روانی، عوامل جنسی، و عوامل زمینه‌ای مثل دین، ساختار قانونی و حقوقی، و ساختار اجتماعی مثل نگرش خانوادگی، عرف، نابرابری اجتماعی، تبعیض جنسیتی، و کنش راه‌بردی مثل متعه و رابطه‌ای موقت با پایانی مشخص، رابطه نابرابر جنسی، اقتصادی، عاطفی و پدیده‌محوری مثل عشرت‌طلبی یا هدوئیسیم و ازدواج زودهنگام وجود دارد. البته بعد از این مقولات به پی‌آمدها می‌پردازد؛ پی‌آمدهایی مثل اقتصاد لذت، فساد، و روسپی‌گری در جامعه، نگرش منفی به ازدواج دائم و ترویج شک‌گرایی، تزلزل بنیان خانواده و افزایش طلاق، کودک‌همسری، کودک‌بیوگی و توقف تحصیل کودکان، نقض حقوق و تبعیض علیه زنان. این‌ها همه داده‌های کیفی پژوهش بودند که به‌نظر می‌رسد نیاز به بازبینی دقیق دارد. پژوهش‌گر اصفهان، مشهد، و تهران را به‌عنوان زمینه‌های تحقیق انتخاب می‌کند و بر مبنای آن‌ها یافته‌هایش را تنظیم می‌کند. حال سؤال این است که آیا این پژوهش در سراسر کلان‌شهرهایی چون تهران، مشهد، و اصفهان انجام شده است و یک پژوهش‌گر برای انجام پژوهش‌های کیفی تا چه حد مجاز به انتخاب محدوده‌های وسیع پژوهشی مانند سه کلان‌شهر است.

آنچه در نقد پژوهش مدنظر است بررسی روش پژوهش در همه مراحل گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها، و نتیجه‌گیری است. در روش‌های کیفی و ژرفانگر مشخص است که پژوهش‌گر در تحلیل پژوهش‌های خود به تحلیل مصاحبه‌ها از روش‌های خاص این نوع رویکرد، مثلاً نظریه‌مبنایی بهره می‌برد و این نوع روش به تولید یک نظریه در زمینه مورد مطالعه منجر می‌شود. در چنین روش‌هایی داده‌هایی که به بررسی یا ابلاغ اعداد (خاصیت پژوهش‌های کمی) منجر می‌شود، چندان مدنظر نیست و به نظر می‌رسد روش مناسب برای این پژوهش روش تحلیل تماتیک است، نه روش نظریه‌مبنایی. در این کتاب، جای خالی سؤال پژوهشی هدف‌مند به وضوح دیده می‌شود. واضح است که پژوهش‌هایی با چنین کیفیتی ژرفانگر، محدود، و معمولاً تعمیم‌ناپذیرند. برای مثال، نویسنده در صفحه ۲۱۲ کتاب نموداری طراحی کرده است و با قطعیت اعداد و ارقامی را اعلام کرده است که خاص روش‌های کمی و علوم دقیقه است و چنین آمده است: «پس از بررسی و تحلیل مصاحبه‌هایی که در میدان تحقیق از افراد دارای تجربه ازدواج موقت، عوامل گوناگون به این نوع ازدواج استخراج شد». در حالی که این نوع درصددی و اعداد و ارقام خاص روش‌های تعمیم‌پذیر و فرضیه‌دار است (بیکر ۱۳۹۲: ۲۰۱-۲۷۴؛ حافظ‌نیا ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۸۶).

در بحث مربوط به شرایط علی (عوامل اقتصادی، عاطفی، و جنسی به‌عنوان علل اصلی ازدواج موقت)، برای عوامل اقتصادی برای مثال سه مصاحبه آورده شده است، مردی ۳۵ ساله از مشهد و زنانی ۲۷ ساله و ۳۸ ساله از تهران که این سه نمونه می‌توانند ذهن را به دلایل اقتصادی جلب کنند، اما برای مقوله‌بندی‌های یافته‌های یک پژوهش علمی آن هم برای سه شهر بزرگ تهران، اصفهان، و مشهد که محدوده تحقیق است کافی نیستند. در بررسی عوامل عاطفی هم با پنج مصاحبه‌شونده راه به‌جایی نمی‌بریم.

در مصاحبه اول نیز بحث غذا دادن و غذا خوردن مردی ۳۶ ساله بدون هیچ معرفی دیگری مطرح می‌شود (احمدی ۱۳۹۷: ۱۵۷). در مصاحبه بعدی، زنی ۲۴ ساله مسئله امنیتی دارد. در جایی دیگر، مصاحبه زن ۳۸ ساله ساکن اصفهان به مسائل روانی اشاره می‌کند و موارد اشاره‌شده در این بخش خیلی کلی است و در روش‌های کیفی کلی‌گویی معنایی ندارد و باید حتماً جزئیات با عمق مورد مطالعه قرار گیرند (حافظ‌نیا ۱۳۸۹: ۱۸۲-۲۶۵؛ فلیک ۱۳۸۷: ۱۶۵-۲۶۰؛ بیکر ۱۳۹۲: ۲۷۵-۳۰۳؛ هومن ۱۳۹۳: ۵۳-۸۰). در متونی از مصاحبه، کلماتی به کار برده شده است که قابل فهم نیست. صفحه ۱۵۹ مصاحبه با مرد ۳۸ ساله «... هم‌باد و هم‌وزن خودت...». صرف‌نظر از آوانگاری‌ای که برای واژگان

به کار برده شده، توسط مصاحبه‌کنندگان طراحی نشده و معنی آن‌ها نیز توضیح داده نشده است. برای مثال، «هم‌بادی» بهتر بود در پاورقی توضیح داده می‌شد. در مصاحبه با مرد ۴۲ ساله می‌خوانیم «... تأمین نباشی...» منظور از تأمین نبودن چیست؟ برای عوامل عاطفی روانی هم مثال‌هایی که از مصاحبه‌ها آمده است قانع‌کننده و مکفی نیستند.

هم‌چنین، در صفحه ۱۷۱ در خط پایانی صفحه به مصاحبه‌ها و مشارکت‌کنندگان و معدود روحانیونی اشاره می‌شود که در متن جایشان خالی است یا آن‌قدر کم‌رنگ است که برای نتیجه‌گیری کافی نیست و در بخش ساختار اجتماعی وقتی به نگرش خانوادگی پرداخته می‌شود، نویسنده چنین آورده است: «شاید یکی از دلایل افزایش ازدواج موقت بالا رفتن سن ازدواج باشد». بدون آن‌که برای ادعای یادشده به منبعی ارجاع داده شود (احمدی ۱۳۰۷: ۱۷۸).

در صفحه ۱۸۳ مصاحبه با مرد ۲۸ ساله بسیار گنگ است: «... به چیزایی اختراع می‌کنن شبیه انسان، واسه من شبیه‌سازی به زندگی واقعی بود...». در صفحه ۱۸۵ مصاحبه با مرد ۲۹ ساله به قدر کافی روشن نیست و نمی‌تواند مورد خوبی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها باشد. این نوع مصاحبه‌ها نشان‌دهنده عدم عمق مصاحبه و مشارکت پژوهش‌گر است. در صفحه ۱۸۶ انتهای پاراگراف اول اصلاً مشخص نیست منظور از زنان در عبارات «... بسیاری از زنان متعه‌شده به علت دید منفی جامعه و ترس و...» کدام زنان است. پژوهش‌گر با تعدادی از زنانی که تجربه متعه‌شدن داشته‌اند مصاحبه کرده است که با معضل مدنظر نویسنده مواجه شدند. در واقع، واژه «بسیاری» در پژوهش‌های علمی واژه پذیرفته‌شده‌ای نیست. از این دست موارد، یعنی موضوع‌های بدون منبع و نتیجه‌گیری‌های بدون مصاحبه عمیق و بدون سؤال، در سطح متن پژوهش مکرراً دیده می‌شود.

هم‌چنین، در صفحه ۲۱۱ مشاهده می‌کنیم که بعد از صد مصاحبه و رسیدن به اشباع نظری با ۲۱۶ نفر دیگر هم مصاحبه شده است تا داده‌ها به اقصای برسد؛ در حالی که ادامه مصاحبه بعد از رسیدن به اشباع نظری در کارهای کیفی امر شناخته‌شده و مقبولی نیست. در پژوهش زمانی که از یافته‌ها صحبت می‌شود، به هیچ‌وجه نباید از مستندات استفاده شود تا حقانیت یافته‌های پژوهش را با آوردن مدارکی اثبات کند که دال بر صحت موضوع پژوهشی است. پژوهش‌های کیفی نه تعمیم‌پذیرند و نه می‌شود با پیش‌فرض با آن‌ها مواجه شد (ایمان و غفاری نسب ۱۳۹۱: ۵۸).

در بخش شرایط علی ازدواج موقت (احمدی ۱۳۹۷: ۱۴۹-۱۶۲)، با بیان مستندی از پژوهش رافعی، با تحلیل بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت، یافته‌های پژوهش کیفی بیان

می‌شود، اما به تحقیق سالاری فر و همکاران اشاره‌ای نشده که براساس آن زنان سرپرست خانواده‌ای که ازدواج موقت کرده‌اند وضعیت روحی، عاطفی، جنسی، و جسمی بهتری داشته‌اند از زنان مشابهی که ازدواج موقت نکرده‌اند (سالاری‌فر و دیگران ۱۳۹۵: ۸۴). شایان‌ذکر است اشاره به پژوهش یادشده به معنای تأیید یا رد آن نیست، بلکه تأکید بر لزوم بی‌طرفی درحین انجام پژوهش علمی است. پس اشاره به تحقیقات با نتیجه متفاوت جزء لوازم کار علمی است، به‌خصوص که تحقیق سالاری‌فر در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته است و وی در مقاله خود به نتیجه تحقیق رافعی اشاره کرده است.

در صفحه ۱۵۷، جمله «... نارضایتی زوجین و نداشتن تفاهم از دیدگاه مردان به‌عنوان عوامل اصلی گرایش افراد به ازدواج موقت شناسایی شده است...» از کتاب تحلیل بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت بدون ذکر صفحه آن آمده است. یا اطلاعاتی شبیه این گزاره در صفحه ۱۵۸ که «افرادی که دچار بحران میان‌سالگی هستند...» و مشخص نیست که پژوهش‌گر طبق کدام پژوهش به چنین نتیجه‌ای رسیده است.

هم‌چنین، نویسنده در صفحه ۲۱۲ آورده است، علاوه بر کسانی که مسئله صیغه محرمیت را تجربه کرده بودند، با کارشناسان مذهبی و حقوقی، فقیهان، وکلا، و دفاتر ثبت ازدواج و طلاق نیز مصاحبه کرده است، اما در سراسر کتاب خود به‌جز دو مورد اشاره به متن مصاحبه با دو روحانی به هیچ داده دیگری از مصاحبه با این افراد اشاره نشده است، درحالی‌که باتوجه به اهمیت موضوع، دیدگاه این افراد نسبت به ازدواج موقت می‌توانست در غنای علمی کتاب مؤثر باشد.

از آن‌جاکه نویسنده در فصل سوم کتاب، پس از توصیف روش کیفی و یافته‌های میدانی مرتبط با آن، به تحلیل یافته‌های کمی پژوهش پرداخته است، بنابراین این بخش از مقاله به نقد داده‌ها و استنباط‌های کمی پژوهش می‌پردازد.

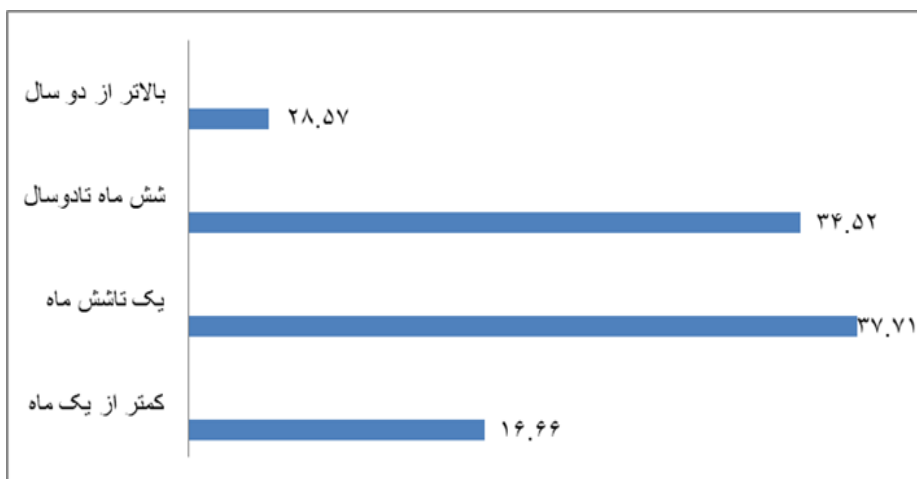
۱) باتوجه به نمودار ۱، باید گفت در جامعه‌ای که توصیف نیاز جنسی برای زنان تابو به حساب می‌آید ادعای تشخیص مرز بین نیاز عاطفی و جنسی در پاسخ زنان باید توسط نویسنده مشخص می‌شد. هم‌چنین، ادعای نیاز عاطفی به بیش‌ترین نیاز برای مبادرت به انجام متعه با آمار ۸۱/۳۴ درصد بین زنان با منابعی که نیاز اول زنان را اقتصادی و بعد جنسی می‌داند در تعارض است (یاری‌نسب و دیگران بی تا: ۳۵۳).

۲) در صفحه ۲۱۴، نمودار ۲، توزیع درصد فراوانی پای‌بندی مذهبی پاسخ‌گویان در تبیین ازدواج موقت آمده است، اما نویسنده مشخص نکرده است برای سنجش مذهب مصاحبه‌شوندگان از چه فاکتورهایی استفاده کرده است.

۳) در نمودار ۳، صفحه ۲۱۶، نویسنده درصد فراوانی پای‌بندی مذهبی خانواده‌های دارای پیشینه صیغه محرمیت را آورده است و توضیحاتی را در ادامه ذکر کرده است. براساس این توضیحات و چند نمودار دیگر، این نقد جدی به پژوهش وارد است که باید علت اقدام به صیغه محرمیت مشخص می‌شد. در حالی که در کتاب چنین تفکیکی صورت نگرفته است و نتایج ازدواج موقت برای آشنایی پیش از ازدواج دائم در سنین مختلف و ازدواج موقت بدون داشتن برنامه برای نکاح دائم با یک‌دیگر ادغام شده‌اند.

۴) در صفحه ۲۱۷، نویسنده به صیغه محرمیت در میان افراد با سنین بالاتر هم اشاره کرده است، اما در ادامه جامعه نمونه خود را افراد زیر هجده سال گرفته است. این در حالی است که نمودار ۷، صفحه ۲۲۸، جامعه نمونه آماری در رده سنی زیر هجده سال تا بالای پنجاه سال است. هم‌چنین، تمام موارد ذکر شده در کتاب از مصاحبه‌های صورت گرفته مربوط به افراد بالای هجده سال است. بنابراین به نظر می‌رسد که نویسنده از نتایج پژوهش ازدواج موقت در سنین بالا برای اشاره به ازدواج افراد زیر هجده سال استفاده کرده است.

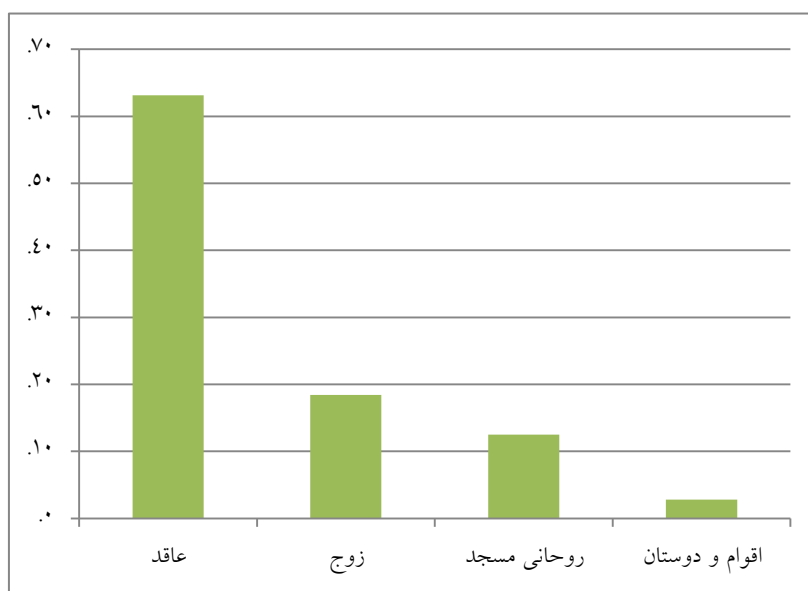
۵) در صفحه ۲۲۲، نمودار ۶، نویسنده خواهان نمایش توزیع درصد فراوانی میزان مدت صیغه محرمیت در میان پاسخ‌گویان است که جمع فراوانی‌ها برابر ۱۱۵/۴۶ است که خطای آماری را نشان می‌دهد. هم‌چنین، در نمودار یادشده، باید تفکیک زمانی براساس علت اقدام به ازدواج موقت لحاظ می‌شد که مغفول مانده است.



نمودار ۶. توزیع درصد فراوانی میزان مدت صیغه در میان پاسخ‌گویان

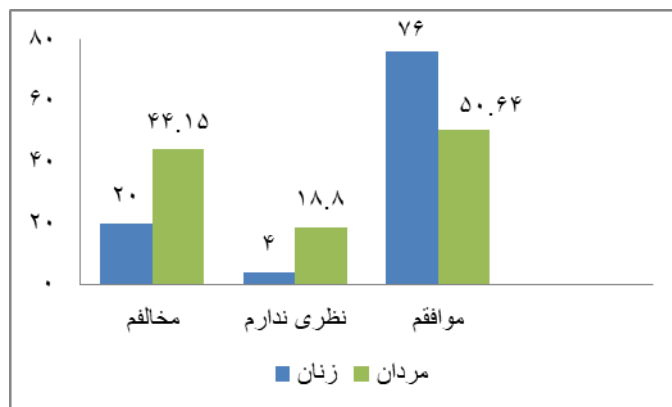
۶) در صفحه ۲۳۰، در توضیحات نمودار ۸ آمده است که ۳۲ درصد افراد رابطه جنسی مداوم و ۲۸ درصد رابطه نزدیک بدون محدودیت اعم از سکس و سایر رفتارهای جنسی را تجربه کرده‌اند. باتوجه به توضیح گروه دوم، یعنی رابطه نزدیک بدون محدودیت، وجه تمایز آن با رابطه جنسی مداوم مشخص نیست.

۷) مطابق نمودار ۹، در صفحه ۲۳۰، در توزیع درصد فراوانی وضعیت جاری شدن ازدواج موقت بین زوجین، ۸۱/۵۷ درصد از اقدام‌کنندگان به ازدواج موقت مسئله را حداقل با اقوام، روحانی مسجد، و عاقد درمیان می‌گذارند و آن را ثبت می‌کنند، درحالی که باتوجه به نمودار ۴ در صفحه ۲۱۹، ۴۴ درصد مردان و بیست درصد از زنان با اطلاع‌دادن موضوع به دیگران مخالف‌اند. بنابراین، ۸۱/۵۷ درصد موافقت برای اطلاع دیگران حاکی از موافقت اکثر زوجین در اطلاع به دیگران است، اما طبق نمودار ۴، ۶۴ درصد از زنان و مردان در مجموع با آگاه‌شدن دیگران مخالف‌اند. بنابراین، نتیجه نمودار ۹ با نمودار ۴ در تعارض است، مگر آن‌که اثبات شود افراد با با علنی شدن ازدواج موقت درمیان دوستان و آشنایان مخالف‌اند، نه درمیان کسانی که در جاری شدن صیغه مدخله مستقیم داشته‌اند. هم‌چنین، مجموع فراوانی درصد نظرهای مردان در زمینه اطلاع دیگران از ازدواج موقت برابر ۱۳/۵۹ درصد است که اشتباه محاسباتی را نشان می‌دهد.



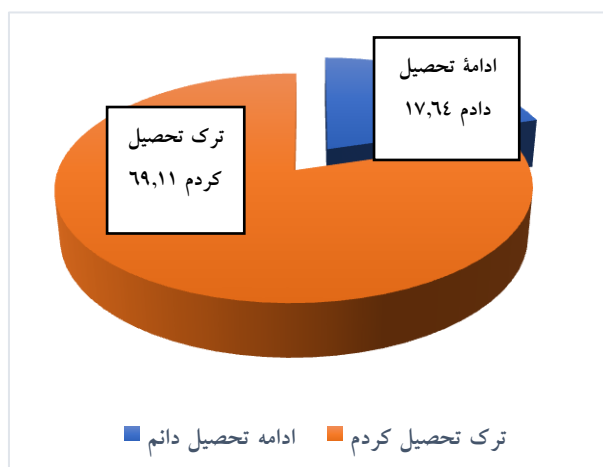
نمودار ۹. توزیع درصد فراوانی وضعیت جاری شدن ازدواج موقت بین زوجین

نقدی بر کتاب *خانه‌ای بر روی آب*: ... (صالحه خدادادی و دیگران) ۱۸۳



نمودار ۴. توزیع درصد فراوانی پاسخ‌گویان در زمینه اطلاع دیگران درباره ازدواج موقت

۸) جمع فراوانی نمودار ۱۰، در صفحه ۲۳۱، ۸۶/۷۵ درصد است که خطای آماری فاحش محسوب می‌شود.



نمودار ۱۰. توزیع درصد فراوانی وضعیت تحصیلات پس از صیغه محرمیت در میان نوجوانان

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شده است کتاب *خانه‌ای بر روی آب* در دو بخش مورد نقد و بررسی قرار گیرد. پژوهش‌گر ادعا دارد که موضوع کتابش پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران است. او در این پژوهش در بخش محتوایی به‌طور ویژه به

ارزیابی روش علمی، رویکرد نظری، مصاحبه‌ها، نمودارها، داده‌ها، و استنباط‌های کمی تمرکز داشته است. نقد شکلی و محتوایی اثر نشان می‌دهد که پژوهش‌گر به موضوعی چالشی و مبتلا به پرداخته است. هم‌چنین، گسترش میدان تحقیق در چند شهر مهم کشور مهارتی ویژه می‌طلبد که به نظر می‌رسد پژوهش‌گر از عهده آن برآمده است، اما علی‌رغم برخورداری از ویژگی‌های مثبت و قابل تأمل در مجموع می‌توان گفت که روش‌مندی و انسجام یک پژوهش علمی رعایت نشده است و اشکالات متعدد روش‌شناختی، به‌خصوص در ابعاد کیفی و کمی، سبب شده است که نتایج چندان قابل اتکا و معتبر تلقی نشود. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع، نیاز به تحقیقات جامع و منسجم در چهارچوب روش‌های کیفی متقن دیده می‌شود.

کتاب‌نامه

- آزادارمکی، تقی و دیگران (۱۳۹۰)، «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ش ۲.
- احمدی، خدابخش، مصطفی برای، و فتح‌الله سیداسماعیلی (۱۳۹۰)، «نگرش مردم به ازدواج موقت»، *رفاه اجتماعی*، ش ۴۳.
- احمدی، کامیل (۱۳۹۷)، *خانه‌ای بر روی آب: پژوهشی جامع درباره صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران*، تهران: شیرازه.
- ایمان، محمدتقی و اسفندیار غفاری‌نسب (۱۳۹۱)، «تعمیم‌پذیری و چالش‌های آن در تحقیقات کیفی»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ش ۱.
- ایمانی‌راد، لیلا و محمدجواد وزیری‌فرد (۱۳۸۸)، «ماهیت متعه زن»، *بانوان شیعه*، ش ۱۹.
- بیکر، ترزال (۱۳۸۵)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- حلی، حسن‌بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، ج ۳، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲)، *تحریر الوسیله؛ کتاب نکاح*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، *نوادری ترجمه محاضرات الابداء*، ترجمه محمدصالح قزوینی، قم: بی‌نا.
- روستایی صدرآبادی، حمید و سیدمحمدرضا آیتی (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه‌ای نکاح متعه و نکاح مسیار در فقه»، *فقه و حقوق اسلامی*، ش ۱۰.
- سالاری‌فر، محمدرضا، داود تقوایی، و مهدی نجفی (۱۳۹۵)، «مقایسه سلامت عمومی و بهزیستی روان‌شناختی زنان سرپرست با و بدون ازدواج موقت»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱۵.

نقدی بر کتاب *خانه‌های بر روی آب*: ... (صالحه خدادادی و دیگران) ۱۸۵

صادقی فسایی، سهیلا و مریم ایتاری (۱۳۹۱)، «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق (مطالع کیفی)»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۳.

فلیک، اووه (۱۳۹۴)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

کلاتری، عبدالحسین، سهیلا صادقی، و صدیقه رضانیا (۱۳۹۳)، «مطالعه کیفی شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری ازدواج موقت زنان»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۴.

کلومورتزی، نورمان و دیگران (۱۳۸۶)، «دختران جوان ایرانی روایت‌های مدرن از نابرابری‌های سستی»، *بازتاب اندیشه*، ش ۹۳.

کلینی، یعقوب‌بن اسحاق (۱۳۹۳)، *فروع کافی*، ج ۵، قم: قدس.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا.

مهریزی، مهدی (۱۳۹۲)، *قرآن و مسئله زن*، تهران: علم.

میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۷۹)، «مرزشناسی در ازدواج موقت»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۹.

میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۷۹)، «مرزشناسی در ازدواج موقت»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۰.

میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۸۰)، «مرزشناسی در ازدواج موقت»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۱.

هاشمی، سیداحمدعلی (۱۳۹۵)، «نقش اذن در صحت یا بطلان نکاح در فقه و حقوق»، *جستارهای فقهی و اصولی*، س ۲، ش ۲.

هومن، حیدرعلی (۱۳۹۳)، *راهنمای علمی پژوهش کیفی*، تهران: سمت.

یاری‌نسب، فاطمه و دیگران (بی‌تا)، «نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج موقت (مورد مطالعه: دانشگاه

شهیدباهنر کرمان)»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، س ۵، ش ۳.

